

آسمان آبی و آفتابی بود. همه چیز مثل بقیه روزها بود؛ کارمندهایی که مثل سیل به طرف اداره جاری بودند، ترافیک که اعصاب مردم را به هم ریخته بود، گداهای سرچهارراه که دست نیاز به طرف عابرها دراز کرده بودند؛ خلاصه همه چیز مثل همیشه بود.

ناگهان دنیا ایستاد. دنیا ایستاد و یک کم این پا آن کرد تا پاهاش که خواب رفته بودند، دوباره پر از نیرو بشود و بعد به خودش نگاه کرد: پر از آب، پر از آدم‌های کوچکی که این سو و آن سوی بدنش وول می‌خورند، مقداری جنگل و هزاران هزار خانه و چندتایی هلی کوپتر و هواپیما که دور تا دور سرش می‌چرخیدند.

دنیا حوصله‌اش سر رفته بود. پیرزنی از قسمت شمالی غربی دنیا، از توی اتوبوس شلوغ فریاد زد: «می‌بینید! کار دنیا برعکس شده! جوان‌ها دیگر احترام بزرگترها سرشان نمی‌شود!» و به جوانی که روی صندلی لم داده بود، چپ چپ نگاه کرد.

دنیا تعجب کرد. به خودش با دقت نگاه کرد. نسبت به چند میلیون سال پیش، خیلی شکسته شده بود. آهی کشید و گفت: «آره، حق با پیرزن است. کار من برعکس شده. مثل پیرمردها قوز کرده‌ام، گوشه‌ای ایستاده‌ام و از کار آدم‌ها غافل شده‌ام. نگاه کن چه آسمان پردودی برایم درست کرده‌اند، چه خیابان‌های کثیفی! پیر شدم از دست اینها!»

دنیا رفت تو فکر پیری، که ناگهان صدای بلندی از قسمت جنوبی شرقی به گوشش خورد. خواننده فریاد می‌زد:

«دنیا قراره تا به کی این جور باشه/ تاکی

قراره حرف، حرف زور باشه؟!» دنیا گفت: «آخه مگر من چه کار کرده‌ام که این قدر پشت سرم حرف است؟! جنگل ندارم که دارم. دریا ندارم که دارم. آسمان ندارم که دارم... ای آدم‌های بی‌معرفت، عمری تو وجودم زندگی کردید، خوردید و خوابیدید و خرابم کردید، باز سه قورت و نیمتان هم باقی است، عجب زمانه‌ای شده!»

دنیا داشت زیر لب غرغر می‌کرد که صدایی از قسمت مرکزی زمین توجهش را جلب کرد. مادری به فرزندش گفت:

«دنیا پر از شغال و گرگ است. توی این دوره و زمانه به هیچ کس اعتماد نکن.»

دنیا بعد از شنیدن این حرف، این قدر به این ور و آن ور بدنش نگاه کرد که چشم‌هایش چپ شد. اما هرچی گشت به غیر از چند هزار رأس گرگ و شغال ناقابل چیزی ندید. در حالی که از شدت عصبانیت، کوه آتشفشان گوشه چپش قل قل می‌جوشید و فوران می‌کرد، شروع کرد به بالا و پایین پریدن. چشم‌هایش را باز کرد و دید نیمی از جنگل‌های استوایی‌اش چپ و یک عالم درخت از بیخ و بن کنده شده است. آن وقت چشم‌هایش پر از اشک شد و های‌های اشک‌های بارانی‌اش را روی سر آدم‌ها پاشید. خوشبختانه آن موقع فصل بهار بود و دنیا کلی سهمیه باران داشت و توانست تا دلش می‌خواهد گریه کند.

البته این را بگویم که دنیا، هنوز که هنوز است، هر وقت یاد آن روز می‌افتد، بی‌وقت و با وقت، توی بهار یا تابستان، توی پاییز یا زمستان، یک دل سیر گریه سر می‌دهد.



به چشمان مهربانت خیره می‌شوم!

آسمان تاریک می‌شود و چراغ‌های خاموش خانه‌ها، دانه دانه جان می‌گیرند.
آسمان پر می‌شود از ستاره‌های اکلیلی و من به چشمان مهربان تو خیره می‌شوم که از نور و نقره می‌درخشند.
گونه‌های تو و چشمان من، خیس می‌شوند و دل‌های ما همیشه در انتظار او خواهند ماند.

منیژه بیات

روزی که دلم گرم می‌شود

دلم به فردایی گرم است که بی‌حضور تو هیچ آبی گرم نمی‌شود.
به فردایی دلم گرم است که دیگر برای گرم کردن دلها نیازی به حرفهای بزرگ نیست.
دلم به فردایی گرم است که لبخند تو تمام فضای دلم را گرم می‌کند؛ گرم گرم
دلم به فردایی گرم است که برخی اتفاقها چه پیامدهای بزرگ و باشکوهی خواهند داشت؛ اتفاقی مثل آمدن تو که بیش از هزار سال است چشم انتظارش هستیم.
اتفاقی مثل گذشتن تو از کوچه دل ما. اتفاقی مثل احساس نوازش نرم دستان حامی تو بر سر بی سر و سامانی ما و اتفاقی مثل یک لبخند تو، چه پیامد بزرگی دارد.
آن روز دلم گرم گرم می‌شود، آن روز هزاران هزار دل پشت سر تو صف می‌کشند.
هزار هزاران قدم سر از پا نمی‌شناسند و راه می‌افتند دنبال دلتنگی‌های بزرگ خود.
دلم به فردایی گرم است که خانه سرد دلم را فقط نگاه تو گرم می‌کند.
وقتی می‌آیی، می‌فهمم سال‌های سال است که آفتاب، بی‌تابی‌اش را، انتظارش را، صورت تبار و گر گرفته‌اش را، درخناکای لبخند مهربان تو، پر از صمیمیت و آرامش می‌کند.
دلم به فردایی گرم است که وقتی در کوچه‌های زندگی همه‌ی ما راه می‌روی، فقط یک صدا شنیده می‌شود؛ صدایی که جز راستی چیزی در آن موج نمی‌زند!

حسین اسکندری



دوست کم حوصله، دوست خوب یا اَبَر دوست؟

دوباره فصل آغاز است و همه جا بوی تازگی می‌دهد. تو هم احساس تازگی می‌کنی؟

○ («سلام!») با لحنی شاد

△ («سلام») با لحنی معمولی

□ («خوبی؟») با لحنی بی حوصله

۳ - در کنار دوستان تو کسی هستی که....

○ همیشه لطیفه تعریف می‌کنی

□ هر وقت دوستان احساس ناراحتی و غم

می‌کنند بلافاصله با تو تماس می‌گیرند

△ دوستان هر وقت کاری با تو داشته باشند،

تماس می‌گیرند

۴ - یکی از دوست‌های خجالتی‌ات در خواستی از

معلم دارد که خجالت می‌کشد آن را مطرح کند...

△ (تو او را تشویق می‌کنی تا خجالت را کنار بگذارد

○ (تو نقش میانجی را بازی می‌کنی

□ (رهایش می‌کنی تا خودش با خجالتش کنار

بیاید

۵ - به نظر تو کدام یک از این عبارت‌ها دوستی را

توصیف می‌کنند؟

△ (دوستی بیشتر از آنچه ما فکر می‌کنیم جدی

است.

مراحل و شرایط جدید با دوستان قدیمی‌ات؟ این حس خوبی در درون ما آدم‌هاست.

برای یک شروع خوب با دوستان و همکلاسی‌ها خوب است با دیدی دیگر سری به درونت بزنی و یک یا دو اخلاق دل‌آزار و کهنه (در روابط دوستانه) را از وجودت بیرون بکشی و دور بریزی! برای اینکه کمی بهتر به این رفتارها پی ببری و بفهمی چگونه دوستی هستی پیشنهاد می‌کنم به این سوال‌ها پاسخ بدهی:

۱ - چه طور با دوستان سلام و احوال‌پرسی می‌کنی؟

△ (سلامی همراه با دست دادن

□ (سلامی همراه با تکان دادن سر

○ (سلامی همراه با در آغوش گرفتن

- ❑ دوری و دوستی. این راز ماندگاری دوستی‌هاست.
- ⦿ (یک دوستی قدیمی هیچ وقت از بین نمی‌رود
- ۶ - چند وقت است که دوستانت را می‌شناسی؟
- ❑ (مدت زیادی نیست. هر سال با گروه جدیدی از دوستان آشنا می‌شوی
- ⦿ (بعضی‌ها را از زمان کودکی و بعضی‌ها را فقط چند ماه است که می‌شناسی
- ⦿ (بیشتر دوستانت، دوستان دوره کودکی هستند.
- ۷ - برای اینکه تاریخ تولد دوستان را به یاد آوری...
- ⦿ (نیاز به یاد آوری نیست. تاریخ تولد دوستانت را در قلبت حک کرده‌ای.
- ⦿ (همیشه سعی می‌کنی به یاد داشته باشی اما بعضی وقت‌ها فراموش می‌کنی.
- ❑ (تو حتی تاریخ تولد افراد خانواده‌ات را هم درست نمی‌دانی.
- ۸ - دوستت می‌خواهد مقداری پول از تو قرض بگیرد و به سینما برود. به او می‌گویی...
- ⦿ (بفرما این هم پول. کی پس می‌دهی؟
- ❑ (ببخشید خودم هم بی‌پول هستم
- ⦿ (البته که پول دارم. فقط بگو چقدر؟
- ۹ - در طول تعطیلات همه دوستانت در سفر هستند و تو تنهایی...
- ⦿ (تو به دنبال دوستان جدیدی می‌گردی
- ❑ (بالاخره سر گرمی‌ای برای خودت پیدا می‌کنی
- ⦿ (با شکیبایی انتظار می‌کشی تا دوستانت برگردند.
- ۱۰ - معمولاً چه طور راه می‌روی؟
- ⦿ (سر به هوا
- ⦿ (سر به زیر
- ❑ (شق و رق
- ۱۱ - امروز یکی از دوستانت برایت قیافه گرفته است...
- ❑ (تو هم برای او قیافه می‌گیری
- ⦿ (ارتباطت را حفظ می‌کنی و سعی می‌کنی برخورد بدی پیش نیاید
- ⦿ (علت این رفتار را از او می‌پرسی
- ۱۲ - یک دوست قدیمی برای تو ماند...
- ⦿ (یک پلیور ظریف و لطیف و دوست داشتنی است.
- ⦿ (کفش‌های قدیمی است
- ❑ (راکت‌های بدمینتون از رده خارج است.
- ۱۳ - آنچه که بهتر از هر چیز در دوستانت می‌شناسی...
- ⦿ (نوع رفتارهایشان
- ❑ (عیب‌هایشان
- ⦿ (لطیفه‌هایشان
- ۱۴ - معمولاً با دوستانت این گونه ارتباط برقرار می‌کنی...
- ⦿ (با پیام کوتاه (اس. ام. اس)
- ⦿ (ساعت‌ها با هم صحبت می‌کنید.
- ❑ (در سکوت
- ۱۵ - یک دوست گمشده...
- ⦿ (مهم نیست، در عوض دوستان زیاد دیگری پیدا می‌شوند
- ⦿ (خیلی ناراحت کننده است.
- ❑ (زندگی همین است دیگر.
- ۱۶ - مشکل بزرگی برایت پیش آمده، تو تلفن می‌زنی به...
- ❑ (هیچ کس
- ⦿ (به همه دوستان و پدر و مادرت
- ⦿ (فقط به یکی از دوستانت که خیلی با او صمیمی هستی.
- ۱۷ - یک دوست قبل از هر چیز...
- ❑ (کسی است که می‌توان با او تفریح کرد.
- ⦿ (کسی است که می‌توان روی او حساب کرد.
- ⦿ (کسی است که می‌توان همه رازها را با او در میان گذاشت.

۱۸ - یک دوست واقعی را می‌توان شناخت از....

(▲) راز داری‌اش

(■) ظرفیت و توانایی‌اش

(●) وفاداری‌اش

۱۹ - کدام یک از این هدیه‌ها را در روز تولد

دوستت به او می‌دهی؟

(■) یک سی دی موسیقی

(▲) یک کتاب که خیلی آن را دوست داری

(●) یک شعر زیبا که از صمیم قلب برای او

نوشته‌ای

اگر بیشتر جواب‌ها **مربع** باشند:

تو باید سعی کنی برای گروه دوستانت کمی بیشتر جذابیت داشته باشی. کمی بی‌حوصله هستی.

چنان در بند روابط دوستانه نیستی، نه خیلی جدی بلکه کمابیش به قصد تفریح به این روابط نگاه می‌کنی. اما کمی وقت گذاشتن برای دوستان و اهمیت دادن به نیازهای آنها تجربه‌های زیبایی برایت خلق خواهد کرد و مطمئن باش همه ما به یک دوست واقعی و دلسوز نیاز داریم.

اگر بیشتر جواب‌ها **مثلث** باشند:

یک دوست بی‌ادعا که بدون چشم‌داشت آماده برای کمک کردن است. در واقع در گروه دوستان هر کس نیاز به کمک داشته باشد تنها به تو فکر خواهد کرد. تو از کمک به دوستان لذت می‌بری و از این کار احساس غرور می‌کنی. اما کمی دست نگه دار! آیا این درست است که همه از تو انتظار داشته باشند و تو هیچ انتظاری از دوستانت نداشته باشی؟ انتظاراتی در حد معقول به پایداری دوستی کمک می‌کند. دوستی واقعی، یک جاده دو نفره است.

اگر بیشتر جواب‌ها **دایره** باشند:

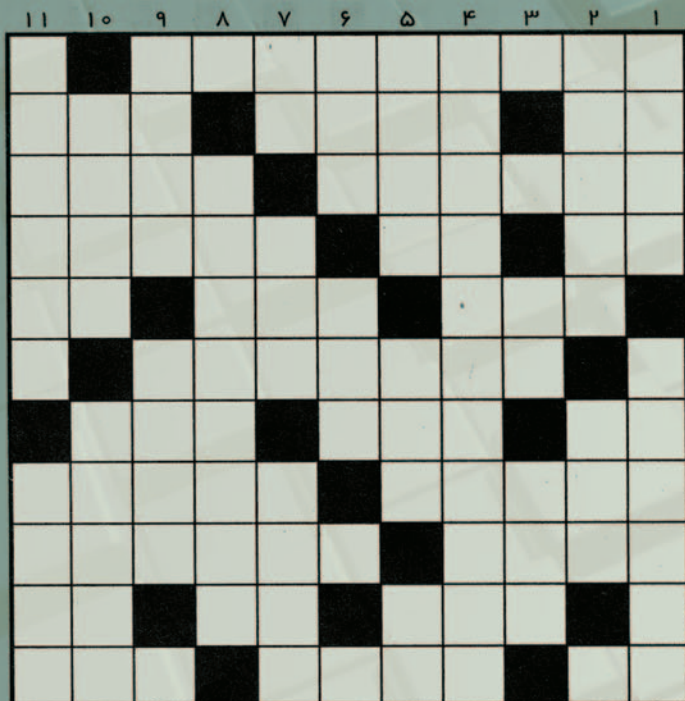
دروغ گفتن به یک دوست برای تو مثل جنایت است. آن قدر به دوستانت وفادار هستی که کمتر کسی حاضر است فرصت دوستی با تو را از دست بدهد. هیچ وقت دوستت را با مشکلات تنها نمی‌گذاری و از هیچ فداکاری برای او دریغ نداری. گاهی وقت‌ها نگاهی به روابط دوستانه تو، فیلم‌های وسترن را تداعی می‌کند: در راه دوست، جان بی‌ارزش است. اما کمی در این روابط دقت کن. همیشه آدم‌هایی هستند که از احساسات لطیف و دوستانه دیگران سوءاستفاده کنند.

پگاه شفتی



جدول

افقی



- ۱- یکی از دروازه بانان خوب تیم ملی فوتبال برزیل
- ۲- یازده-آب به انگلیسی- درس نخوانده
- ۳- کسی که نقاشی سنتی ایرانی می کشد- کسی که وکیل برایش کار می کند
- ۴- ملک رازی- پول ژاپن- عابد
- ۵- لون- کاشف واکسن آبله- رود اروپایی
- ۶- دارای مهارت در کارهای خانه
- ۷- مایه حیات- ژرف- دارو
- ۸- صدای بلندی که از گلو خارج می شود- فرآورده ای از گوشت گاو
- ۹- پیدایش- طوفانی سهمگین که یک نمونه از آن شش سال پیش در سواحل اندونزی ویرانی های بسیاری به جای گذاشت
- ۱۰- از حروف الفبای فارسی- حرف انتخاب- ضمیر اشاره به دور
- ۱۱- همت- پدر شعر نو- تنها کشور آفریقایی که به مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی فوتبال صعود کرد

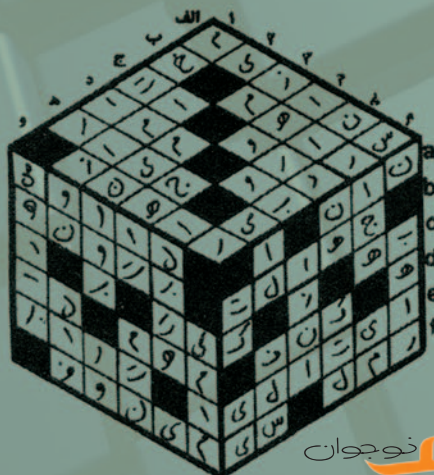
برندگان جدول نسیم نوجوان اردیبهشت ۸۹
مرضیه رونقی
زلیخا مخدوم
محمد صالح سلطانی

برندگان جدول نسیم نوجوان خرداد ۸۹
معصومه قاسمی
حامد راهپیمای
مریم خضرای

عمودی

- ۱- گونه ها و انواع ادبی، سینمای و مانند آنها- از مکان های تاریخی و گردشگری شهر شیراز
- ۲- مسری- فرزند گوسفند
- ۳- یار سوزن- زادگاه نیما یوشیج
- ۴- اولین انسانی که به فضا رفت و یک دور مدار زمین را پیمود
- ۵- هریک از واحد های قطار- برنامه تلویزیونی ورزشی که در ایران پر طرفدار است - ساز چوپان
- ۶- پوشش- کوشش
- ۷- طلا- اندرز- دانه ای روغنی
- ۸- قهرمان مطرح فوتبال آرژانتین و مربی تیم ملی این کشور در جام جهانی ۲۰۱۰
- ۹- شهری در استان کرمان- جمع رئیس
- ۱۰- شکسته عربی- اعتقاد و باور
- ۱۱- فیلمی از رخشان بنی اعتماد با بازی باران کوثری- نامی پسرانه

حل جدول شماره ۳۲



رسیدن مرسوله‌ها لازم است تا به راه‌های دیگری اقدام کنید. به این ترتیب که با مراجعه به یکی از بانه‌ها، دفاترهای پستی، آژانس‌ها، نمایندگی‌های پستی و دفاترهای خدمات ارتباطی مستقر در منطقه شهری و روستایی، پس از مشخص کردن نوع، وزن و مشخصات مرسوله برای متصدی پست، با استفاده از سرویس‌های متنوع و مختلف پستی نظیر سفارشی و پیشتاز، مرسوله خویش را به پست تحویل دهید تا هر چه سریع‌تر و مطمئن‌تر به دست گیرنده برسد.

مرحله دوم، آماده سازی

این مرحله بعدی شامل جداسازی و تفکیک و آماده سازی مرسوله‌ها است. در اینجا مرسوله‌ها و امانت‌ها، بسته به نوع، اندازه و مقصدی که دارند دسته بندی می‌شوند و تاریخ ورود آنها و محل پست کردنشان ثبت می‌شود. در این مرحله، برحسب استان، شهر، منطقه، و یا اگر مقصد خارج از کشور باشد، مرسوله‌ها و امانت‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند و هر دسته را در کیسه مخصوص مقصد مورد نظر قرار می‌دهند و سپس به قسمت حمل تحویل می‌شود.

مرحله سوم، رهسپاری

در این بخش مرسوله‌ها و امانت‌های پستی را در وسیله نقلیه مناسب قرار می‌دهند. هواپیما، قطار، کشتی برای فاصله‌های دور و اتومبیل، کامیون و وانت برای

آیا هیچ وقت نامه‌ای روی کاغذ نوشته‌اید و خودتان به تنهایی آن را به پست سپرده‌اید؟ آیا نزدیک عید برای دوست و آشنایان کارت تبریک فرستاده‌اید؟ آیا بسته‌ای را چون خودتان نتوانسته‌اید حضوری ببرید، به پست سپرده‌اید تا آن را برایتان به مقصد برساند؟ آیا می‌دانید مرسوله‌های پستی مردم، چه مراحل مختلفی را طی می‌کند؟ و آیا می‌دانید هفدهم مهر روز جهانی پست است؟ مطلبی که می‌خوانید جوابی برای همه این پرسش‌هاست.

در ابتدا خوب است بدانید که تمام مرسوله‌های پستی این مراحل را می‌گذرانند:

اول : مرحله قبول.

در مرحله قبول یا همان تحویل به پست مشتریان می‌توانند از شیوه‌های مختلفی برای ارسال استفاده کنند که بستگی به انتخاب خود آنان و مهلت لازم برای ارسال مرسوله‌ها دارد. اگر شخصی قصد فرستادن نامه‌ای را داشته باشد که عجله‌ای در رسیدن آن به مقصد نیست، می‌تواند نامه را در پاکت استاندارد پستی قرار دهد و پس از چسباندن در پاکت، تمبر را در محل مخصوص بچسباند و با نوشتن نشانی و آدرس دقیق و کدپستی، نامه را درون نزدیک‌ترین صندوق پستی بیندازد.

در صورتی که از نظر زمانی مهلت ارسال برای شما، اهمیت داشته باشد، برای هر چه سریع‌تر

« نامه‌ها » سفر

۱۷ مهر، روز جهانی پست

فاصله‌های نزدیک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مرحله چهارم، توزیع

و مرحله آخر، مرحله چهارم که توزیع نام دارد، آخرین مسیری است که مرسوله‌ها و امانت‌های پستی طی می‌کنند.

در دفترهای پست مقصد، مرسوله‌ها و امانت‌ها از کیسه‌ها خارج می‌شود و آنها را به ترتیب منطقه، خیابان و کوچه دسته بندی می‌کنند و هر دسته را به پستی منطقه می‌سپارند.

پستی، پیاده، با موتور یا اتومبیل از خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌گذرد و نامه‌ها را به آدرس گیرنده می‌رساند. اگر مرسوله سفارشی باشد، گیرنده باید دفتر رسید را امضا کند.

✱

راستی این روزها، نوجوانان هرگز یاد نامه نوشتن و خرید تمبر هستند؟ این روزها که همه برای هم نامه الکترونیکی می‌فرستند و چت می‌کنند، دلشوره رسیدن نامه مفهومی دارد؟ و البته جمع کردن تمبرها... آیا شما دوست دارید تمبر جمع کنید؟

جمع‌آوری تمبرها، یکی از لذت‌های نوجوانی نوجوانان قدیم‌تر بود. آنها کاغذ نامه‌ها را در آب می‌گذاشتند تا خیس بخورد و تمبرهای باطله آن را برمی‌داشتند و پس از خشک کردن در دفتر تمبر نگه‌داری می‌کردند. برخی دیگر هم به پستخانه‌ها می‌رفتند و تمبرهای

نو می‌خریدند و کلکسیون جمع می‌کردند.

تمبر یادبود نیز این روزها زیاد چاپ می‌شود، یاد بود مناسبت‌ها، یادبود اشخاص و اماکن و روزهای مهم و به یاد ماندنی. راستی شما چه‌طور؟ میانه‌تان با تمبرها چه‌طور است؟

راستی تمبر چیست و داستان آن؟

تمبر عبارت است از کاغذی کوچک و بهادار با علامت رسمی به نشانه دریافت وجه مخارج حمل نامه یا محمولات پستی و پرداخت مالیات و عوارض آن، که روی پاکت نامه یا بسته پستی الصاق می‌شود. واژه تمبر فرانسوی است.

نخستین تمبر پستی جهان در سال ۱۸۴۰ در انگلستان منتشر شد. تمبرها از لحاظ پیام‌های نمادینی که حکومت‌ها می‌کوشند به شهروندان خود و به جهان ارسال کنند، از منابع اصلی و بسیار پرارزش‌اند. امروزه مورخان از نمادهایی که در تمبرها به کار رفته، بیش از سکه‌ها بهره می‌برند، زیرا تمبرها متنوع‌ترند، حال آن‌که تغییر نقش و تنوع و فراوانی آن در سکه‌ها بسیار تدریجی‌تر و محتاطانه‌تر است. نخستین بار در سال ۱۲۷۹ با تأسیس دفتر پستی انگلستان در ریشهر بوشهر و استفاده از تمبر هندوستان در محموله‌های پستی، تمبر در ایران رواج یافت.

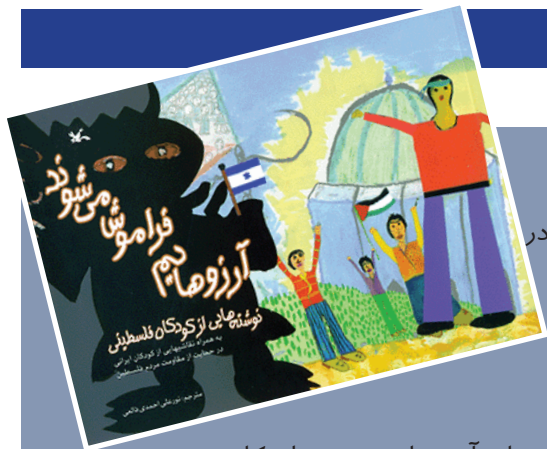
موزه پست

در ایران موزه ای برای پست واقع در خیابان امام خمینی در نظر

گرفته شده است. بنای این موزه در سال ۱۳۰۷ ش در زمان وزرای قدیم پست یعنی «صوراسرافیل» و «نظام الدین حکمت» ساخته شده است که قبلاً اداره گمرکات پست بوده، به موزه اختصاص داده شده است. این موزه از هشت غرفه مجزا تشکیل شده است. ۱۱۰۰ سری تمبر در این موزه نگهداری می‌شود. در بخشی از این موزه، تمبرهای چاپ شده توسط ۱۳۰ کشور جهان هم به نمایش گذاشته شده است. در این موزه اشیای قدیمی ارسال نامه نیز نگهداری می‌شود، مثل صندوق‌های قدیم پستی، انواع مهرهای دستی، دستگاه‌های قدیم ابطال تمبر و...

در بخش دیگری از این موزه نیز عکس‌ها و ماکت‌هایی از ابزارهای انتقال نامه دیده می‌شود... به هر حال اگر می‌خواهید با سرنوشت نامه‌ها آشنا شوید، وقتی به تهران آمدید حتما سری به این موزه بزنید.





آرزوهایم فراموش می‌شوند

(نوشته‌هایی از کودکان فلسطینی همراه نقاشی‌هایی از کودکان ایرانی در

حمایت از مقاومت مردم فلسطین)

• تصویری، گروه سنی ج، گروه سنی د

• مترجم: نورعلی احمدی فالعی

خلاصه کتاب :

قصه ادامه دارد و کودکان فلسطینی همچنان دردها و رنج‌ها و آرزوهای خود را حکایت می‌کنند این کودکان، به رغم همه تلخی‌ها و سختی‌های زندگی خود در سیاهی ستم اشغالگران، همچنان با قلم‌ها و قلم‌موهای خود سخن می‌گویند و تصویر می‌کشند و راهی به آینده‌های روشن می‌گشایند. اما کودکان فلسطینی در این راه تنها نیستند، چرا که قلب و قلم کودکان ایرانی را نیز همراه خود دارند. در این کتاب همدلی کودکان ایرانی با مردم فلسطین نیز تصویر شده است.

خبر

همیشه برایتان دعا می‌کنیم

همدردی با همسالان فلسطینی خود به خبرنگار قدسنا گفت:

چون من خودم در بمبگذاری شهر کاظمین بودم و کشته شدن و زخمی شدن آدم‌ها را از نزدیک دیده‌ام، هر وقت که از تلویزیون کشته شدن مردم فلسطین را ببینم دست اسرائیلی‌ها می‌بینم خیلی ناراحت می‌شوم و از مادرم می‌پرسم که این اسرائیلی‌ها از کجا آمده‌اند که کشور فلسطین را اشغال کرده‌اند؟ چرا هیچ‌کس اسرائیلی‌ها را از آنجا بیرون نمی‌کند و چرا فلسطینی‌ها هم مثل ما رهبر ندارند تا دیگر اسرائیلی‌ها به آنها حمله نکنند؟

مینا حسینی دانش آموز مقطع ابتدایی (۱۰ ساله) با بی‌رحم توصیف کردن جنایتکاران صهیونیستی گفت: از وقتی تصویر عروسک خاکی بدون دست را بر روی سنگ و آجر خانه‌های مردم غزه از تلویزیون دیده‌ام؛ دیگر دوست ندارم با عروسک‌هایم بازی کنم و همیشه دوست داشتم بدانم که آن

عروسک برای کدام دختر فلسطینی بود و او الان کجاست؟ فاطمه بامداد دانش آموز مقطع پیش دانشگاهی (۱۸ ساله) جهانی بدون جنگ را برای تمام کودکان جهان آرزو کرد و گفت: برای من تجسم یک جهان بدون جنگ و خونریزی بسیار سخت و بیشتر شبیه یک رویاست، اما از خدا می‌خواهم که به این رویای من رنگ واقعیت ببخشد تا تمام مردم دنیا جهان پر از صلح واقعی را ببینند.

دانش آموزان ایرانی در آستانه روز همبستگی و همدردی با کودکان و نوجوانان فلسطینی، جهانی پر از صلح و دوستی و بدون جنگ را برای همه کودکان جهان به ویژه کودکان فلسطینی تحت اشغال رژیم صهیونیستی آرزو کردند.

امیر حسین آتشکار دانش آموز مقطع دبیرستان (۱۷ ساله) در گفتگو با خبرنگار بخش فارسی خبرگزاری قدس (قدسنا) با دلخراش توصیف کردن جنایت صهیونیستها علیه کودکان و نوجوانان فلسطینی گفت: تصور زندگی کردن در شرایط سخت نوجوانان و کودکان فلسطینی برای من بسیار درد آور است چرا که آنها نیز مانند ما دوست دارند آزادانه در کنار پدر و مادر خود زندگی کنند و با همسالان خود به تحصیل و تفریح بپردازند اما اسرائیلی‌ها با اشغال کشورشان این حق را از آنها گرفته‌اند.

محمد امین افسری دیگر نوجوان ایرانی مقطع راهنمایی (۱۲ ساله) با ابراز همدردی با نوجوانان فلسطینی به خبرنگار ما گفت: به بچه‌های فلسطین بگویید که من دوست دارم شما و کشورتان را آزاد بینم، مسجد الاقصی آزاد شود و بدانید که همیشه برایتان دعا می‌کنم.

وی گفت: دلم برای کودکانی که در فلسطین بدون هیچ گناهی کشته می‌شوند می‌سوزد، مگر اشغال کشورها چه ارزشی دارد که به خاطرش باید این کودکان بمیرند؟

محمد یاسین یاری دانش آموز مقطع ابتدایی (۷ ساله) در

حضرت علی علیه السلام:

آن چه دوست نداری در باره ات گفته شود، درباره دیگران مگوی.



